



عليه ليبر اليسم

باز تايپ از روی آثار منتخب مائوتسه دون

تايپ کننده: فرهاد گلستانی

۲۰۰۶

علیه لیبرالیسم

ما طرفدار مبارزه فعال ایدئولوژیک هستیم ، زیرا این مبارزه سلاحی است که وحدت را در درون حزب و سازمانهای انقلابی به سود پیکار ما تضمین می کند. این سلاح را هر کمونیست و هر انقلابی باید به دست گیرد.

اما لیبرالیسم مبارزه ایدئولوژیک را رد می کند و صلح و آرامش غیراصولی را توصیه می نماید و از این رو موجب پیدایش یک شیوه عمل منحط و مبتذل می گردد و در حزب و سازمانهای انقلابی بعضی از واحدها و افراد را به فساد سیاسی می کشاند.

لیبرالیسم به اشکال گوناگون تظاهر می یابد.

وقتی به روشنی معلوم شود که شخصی اشتباه کرده است ولی فقط به این علت که او یک نفر آشنا، یک همشهری، یک هم کلاسی، یک دوست صمیمی، یکی از عزیزان، یک همکار یا زیر دست قدیمی است، از بحث اصولی با او سر باز زدن، برای حفظ صلح و دوستی کارها را به حال خود رها کردن، یا بخاطر حفظ مناسبات حسنه به عوض حل نهایی مسایل به آنها بطور سطحی برخورد کردن. نتیجه این خواهد شد که هم جمع لطمه ببیند و هم شخص مورد نظر – این است اولین شکل ظهور لیبرالیسم.

در غیاب افراد، بدون احساس مسئولیت از آنها انتقاد کردن، پیشنهادات خود را بطور فعال به تشکیلات ارائه ندادن. نظرات خود را درباره اشخاص در حضورشان مطرح نکردن ولی پشت سر آنها حرف زدن؛ از صحبت در جلسات خودداری نمودن، ولی پس از جلسه پرحرفی کردن. نسبت به اصول زندگی کلکتیو بی اعتنا بودن و خود را به ولنگاری و بی بند و باری عادت دادن – این است دومین شکل ظهور لیبرالیسم.

هر کاری که به شخص خود مربوط نباشد، به دست پیش آمدها سپردن؛ در صورت وقوف کامل به نادرستی مطالبی از اظهار نظر

درباره آن تا حد ممکن خودداری کردن. رندانه در صدد حفظ و نگهداری خود برآمدن و فقط شخص خود را از ارتکاب به اشتباه مصون نگاه داشتن – این است سومین شکل ظهور لیبرالیسم.

از دستورات اطاعت نکردن و نظرات خود را بر آنها ارجح دانستن؛ فقط از تشکیلات توقعات بیجا داشتن ولی از انضباط تشکیلاتی بویی نبردن – این است چهارمین شکل ظهور لیبرالیسم.

به عوض اینکه بخاطر وحدت یا ترقی و یا به نظم و ترتیب درآوردن کارها به بحث و جدل پرداختن و علیه نظرات نادرست مبارزه کردن، به حملات شخصی توسل جستن، دعوا و مرافعه به راه انداختن، کینه و دشمنی خود را بیرون ریختن و انتقام جویی کردن – این است پنجمین شکل ظهور لیبرالیسم.

رد نکردن نظرات نادرستی که شنیده می شود و حتی اظهارات عناصر ضدانقلابی را شنیدن ولی گزارش ندادن بلکه آنها را چنان با خونسردی تلقی کردن که گویا اصلا اتفاقی نیافتاده است – این است ششمین شکل ظهور لیبرالیسم.

در میان توده ها بودن ولی تبلیغ و تهییج نکردن، در جلسات صحبت نکردن، تحقیق نمودن، از وضع توده ها سؤال نکردن، به درد توده ها نرسیدن، در برابر توده ها بی تفاوت بودن، فراموش کردن اینکه او یک کمونیست است و بالاخره یک عضو حزب کمونیست را با اشخاص معمولی غیرکمونیست هم طراز ساختن – این است هفتمین شکل ظهور لیبرالیسم.

در برابر اعمال کسی که منافع توده ها را پایمال می کند، خشمگین نشدن، تذکر ندادن، جلوی او را نگرفتن و برای او دلیل و منطق نیاوردن، بلکه جلوی او را باز گذاشتن – این است هشتمین شکل ظهور لیبرالیسم.

با جدیت کار نکردن، برنامه معین و سمت مشخصی نداشتن، بلکه کارها را بطور سرسری انجام دادن و زندگی را به دست پیشامدها

اشخاص هم صاحب مارکسیسم خاص بودند و هم لیبرالیسم خویش را حفظ می کنند؛ آنها از مارکسیسم دم می زنند ولی به شیوه لیبرالیسم عمل می کنند؛ در مورد دیگران مارکسیسم را به کار می بندند ولی در مورد خود لیبرالیسم را. در انبان آنها هم این موجود است و هم آن، و هر کدام مورد استعمال ویژه ای دارد. چنین است شیوه تفکر برخی از افراد.

لیبرالیسم یکی از تظاهرات اپورتونیسیم است و از اساس با مارکسیسم در تضاد است. لیبرالیسم پدیده ایست منفی که اثرش بطور عینی فقط کمک به دشمن است، به همین جهت است که دشمن از وجود لیبرالیسم در میان ما خرسند می گردد. این است ماهیت لیبرالیسم؛ لیبرالیسم را در صفوف انقلاب به هیچ وجه جایی نیست.

ما باید در پرتو روح مثبت مارکسیسم بر لیبرالیسم که منفی است، غلبه کنیم. یک کمونیست باید رک، صادق و فعال باشد، مصالح انقلاب را گرانباتر از جان خود بداند و منافع شخصی را تابع مصالح انقلاب نماید؛ او باید همیشه و در همه جا بر روی اصول صحیح پافشاری کند و علیه هر گونه فکر و عمل نادرست بطور خستگی ناپذیر مبارزه نماید تا آنکه زندگی کلکتیو حزب را مستحکم و رابطه حزب را با توده ها استوار گرداند؛ او باید به حزب و توده ها بیشتر از هر شخص دیگری توجه کند؛ باید به دیگران بیشتر از شخص خود توجه کند. تنها در چنین صورتی است که او را می توان یک فرد کمونیست نامید.

همه کمونیستهای وفادار، صادق، فعال و شرافتمند باید برای مبارزه علیه گرایش های لیبرالی برخی از افراد متحد شوند و بکوشند آنان را به راه راست هدایت کنند. این یکی از وظایف ما در جبهه ایدئولوژیک است.

7 سپتامبر 1937

سپردن - « تا زمانی که انسان راهب است، فقط کارش به صدا درآوردن ناقوس است » - این است نهمین شکل ظهور لیبرالیسم. خویشتن را آنچنان شخصی دانستن که خدمات ذیقیمتی در راه انقلاب انجام داده است، به سابقه خود نازیدن، شایستگی انجام وظایف مهم را نداشتن ولی از به عهده گرفتن مأموریت های کم اهمیت تر سر باز زدن، در کار لاقیدی و در تحصیل سستی از خود نشان دادن - این است دهمین شکل ظهور لیبرالیسم.

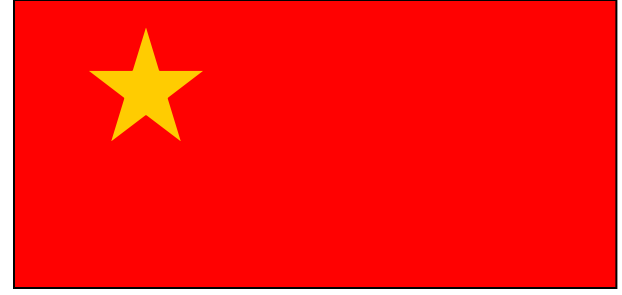
به اشتباهات خود پی بردن، ولی بخاطر اصلاح آنها تلاش نکردن، نسبت به شخص خود روش لیبرالیستی اتخاذ کردن - این است یازدهمین شکل ظهور لیبرالیسم.

البته می توان موارد دیگری نیز برشمرد، ولی این یازده ماده انواع عمده آنها می باشند. اینها همه اشکال ظهور لیبرالیسم هستند.

لیبرالیسم در یک جمع انقلابی پدیده ایست بسیار زیانبخش. لیبرالیسم به منزله خوره ایست که یکپارچگی و وحدت را به تدریج می خورد، پیوندها را می گسلد و موجب پاسیویته در کار و اختلاف نظر می گردد. لیبرالیسم بر باد دهنده تشکیلات محکم و انضباط محکم صفوف انقلابی است، مانع اجرای کامل رهنمودهای سیاسی است و بالاخره سازمانهای حزبی را از توده هایی که تحت رهبری حزب قرار دارند، جدا و دور می سازد. این گرایش فوق العاده بدی است.

لیبرالیسم از خودخواهی خرده بورژوایی سرچشمه می گیرد و منافع شخصی را بر مصالح انقلاب مقدم می شمارد بطوری که این خود موجب سربلند کردن لیبرالیسم ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی می گردد.

لیبرالها به اصول مارکسیسم به دیده دگمهای خشک تجریدی می نگرند. آنها مارکسیسم را می پسندند ولی حاضر نیستند آن را به مرحله عمل درآورند و یا آن را کاملاً به مرحله عمل درآورند؛ آنها حاضر نیستند مارکسیسم را جایگزین لیبرالیسم خود نمایند. این



آدرس ما: www.sholajawid.org

تماس با ما: Sholajawid2@hotmail.com